**امام علی و تربیت فرزند (1)**

**پدید آورنده : علی همت بناری ،**

|  |
| --- |
| مقدمه :  مقوله تربیت از ابتدایی ترین و اساسی ترین نیازهای زندگی بشری است و نه تنها تربیت لازمه جدایی ناپذیر زندگی که متن آن بوده وبلکه زندگی ، از گهواره تا گورش جلوه ای از آن است . انسان تنهادر پرتو تربیت صحیح است که به عنوان موجودی هدفمند و اندیشه ورزبه اهداف وآرمانهای خود دست یازیده و قله رفیع سعادت مطلوب خویش را فتح می نماید ; از این رهگذر برای انسان مسلمان تربیت اسلامی ضرورتی مضاعف دارد زیرا انسانی که گردنبند مروارید دانه دین و بندگی خالق متعال رابر گردن آویخته جز در پرتو تربیت صحیح اسلامی به مدال افتخار عبودیت و تسلیم نائل نمی آید ، ازسویی دیگر چنین انسان مسلمانی برای پیمودن راه سعادت و بندگی احتیاج به الگوهای مطمئن عملی دارد تا با نصب العین قراردادن دیدگاههاو سیره عملی آنان ، هم راه صحیح بندگی و سعادت رابپیماید و هم در این وادی سریعتر گام نهد و سریعتر به مقصدنایل آید ، از این رو معصومین (علیهم السلام) که از گوهر عصمت و مصونیت از خطا و اشتباه برخوردارند . بهترین و مطمئن ترین الگوهای تربیتی بوده و ارائه دیدگاههاو کشف و عرضه سیره تربیتی آنان یک ضرورت انکارناپذیر برای پویندگان عرصه تعلیم و تربیت اسلامی است و در این میان ، ارائه دیدگاههاو سیره تربیتی امام علی (ع) که خود «اب الائمه » و سرسلسله جانشینان به حق نبوی و سرآغاز تجلیگاه امامت معصومین (علیهم السلام) و نخستین تشکیل دهنده حکومت اسلامی علوی است . بر ضرورت این کار می افزاید  مبحث اول : اهمیت تربیت فرزندان و ضرورت تسریع در آن و هدف نهایی از آن :  الف) اهمیت تربیت فرزندان :  تربیت از حیاتی ترین ابعاد زندگی انسان است و در پرتو آن ،انسان به سعادت مطلوب نائل می آید . بزرگ مربی اسلام ، علی (ع)در سخنان دربار خود بارهاوبارها از این امر مهم پرده برداشته وآثار و نتائج مثبت تربیت فرزند و پیامدهای منفی بی توجهی به آن را بیان داشته اند . اما پیش از بیان دیدگاههای حضرت در این زمینه ، مناسب است نوع نگرش و برداشت آن حضرت را از فرزندارائه نمائیم . بر خلاف برداشت و نگرش برخی افراد که از فرزندبیشتر به عنوان ابزاری برای پاسخگویی به نیاز عاطفی والدین ونیز عضوی برای تامین و خدمت به خانواده و مایه فخر و مباهات والدین نگریسته می شود ، امام علی (ع) به فرزند بسی فراتر ازاین نگریسته و آن را عطیه ای الهی بر شمرده اند که در پرتو توجه و تربیت والدین به رشد کافی رسیده و در پی نیکوکاری و احسان به والدین بر می آید . در نهج البلاغه آمده است که : «در حضور امام علی (ع) مردی به دیگری تولد پسرش را این چنین تبریک گفت : «گوارایت باد رزمجویی سوارکار !» آن حضرت از نوع تبریک گفتن او نهی نمود و تبریک گفتنی این چنین رابه او توصیه نمود : «امید که بخشنده اش را سپاسگزار باشی و این عطیه الهی مبارکت باد، او به رشد دلپذیر برسد و تونیز ازنیکی و خیرش بهره مند شوی .  » (1) پس از آن که از نگرش علی (ع) نسبت به فرزند آگاه شدیم ، اینک به آثار و نتایج تربیت فرزند از دیدگاه آن حضرت اشاره می کنیم ; آن حضرت درسخنی کوتاه و در عین حال عمیق و ظریف، تربیت و ادب آموزی را میراثی بی مانند تلقی نموده اند . معمولابا در گذشت انسان ، نگهبان میزان و مقدار میراث به ارث گذاشته او معطوف است و چنانچه فردی متمول و ثروتمند باشد ، اقلامی ازمیراث همانند زمین ، خانه و ماشین در نظر کوته نظران ، بزرگ ومهم جلوه می نماید اما از دیدگاه امام مربیان ، علی (ع) ،میراثی به مانند ادب و تربیت وجود ندارد «لامیراث کالادب » (2) و هرگز املاک و دارایی های باقیمانده مادی ، قابل مقایسه بامیراث گرانبهای ادب و تربیت صحیح برای فرزندان نیست . واز این روست که در سخنی دیگر ، آنحضرت فرمود : «گرانبهاترین چیزی که پدران برای فرزندانشان به ارث می گذارند ، ادب است .» (3) علی (ع) ثمره و محصول تربیت صحیح را پرورش فرزند صالح وپیامد بی توجهی به امر خطیر تربیت را «رشد یافتن فرزند ناصالح » برشمرده و برای هریک از این دو ، آثار و نتائج مثبت و منفی بیان نموده اند . از دیدگاه آن حضرت فرزند صالح مایه انس وآرامش والدین است لذا می فرماید : «انس و آرامش در سه چیز است: همسری که با شوهرش توافق داشته باشد ، فرزندی که صالح باشد وبرادری که موافق و هم راءی انسان باشد .» (4) همچنین درسخن دیگری فرزند صالح را نیکوترین یادگار و بلکه مساوی با همه یادگارهای باقیمانده از والدین ، معرفی می نماید : «الولدالصالح احد الذکرین » مرحوم خوانساری در ترجمه و شرح خود بر«غررالحکم و دررالکلم » ذیل این حدیث می گوید : «فرزندصالح نیکوتر دو یاد است ; یعنی اسباب یاد کسی به نیکویی دوتاست: یکی فرزند صالح که از او بماند و دیگری سایر اسباب او .  فرزند صالح نیکوتر از همه آنهاست یا اینکه فرزند صالح را با هرسببی بسنجند ، از آن سبب نیکوتر است » (5) از سویی دیگر آن حضرت آثار سو و پیامدهای منفی پرورش فرزندناصالح را مورد توجه قرار داده و همه رهروان صدیق خود را از بی توجهی به تربیت صحیح فرزندان برحذر داشته است . ایشان در سخنی فرزند ناصالح را مایه نابودی شرف و بلندی مرتبه پدران خود و عیبناک کننده پیشینیان خود معرفی می نماید . (6) و در کلامی دیگر از فرزند ناصالح به آلوده کننده پیشینیان خود و فاسد کننده اولاد و بازماندگان یاد می کنند . (7) همچنین در سخنی دیگر او را مایه محنت و شومی دانسته (8) و در بیانی بلیغ ، فرزند ناخلف را شدیدترین مصیبتها معرفی نموده اند (9) . فرزند ناصالح نه تنها خویشتن خود را گم نموده و گوهر بندگی وانسانیت خویش را از دست می دهد ، که گاهی ممکن است پدر صالح وشایسته را به انسانی ناصالح مبدل گرداند ; علی (ع) درباره زبیر فرمود : «پیوسته زبیر مردی از ما اهلبیت (علیهم السلام) بود تا اینکه فرزند شوم و ناخلف او عبدالله بزرگ شد (و اورا از ما جدا کرد .» (10)  ب) ضرورت تسریع در تربیت فرزندان از دیدگاه امام علی (ع):  برای موجوداتی که در طریق تغییر ، تحول ، رشد و تکامل هستندمعمولا موسم مناسبی وجود دارد که در آن به بهترین و مناسب ترین رشد خود می رسند و آثار مورد انتظار از آنها تجلی می یابد ، گلهادر موسم بهار می رویند ، چشمه ها در فصل زمستان جاری می شوند .  ابرها در زمستان بارور می گردند و قطرات بارانش میهمان زمین می گردند و . . . تربیت فرزند نیز موسم مناسب خود را دارد که درآن بهتر و آسانتر به بار می نشیند . موسم مناسب تربیت ، دراوایل زندگی یعنی دوره کودکی ، نوجوانی و عنفوان جوانی است ،آنگاه که فرزند هنوز قلبی آسمانی و بی آلایش دارد ، آنگاه که هنوز هواهای نفسانی و خواهشهای غیر انسانی به سرزمین وجود اوهجمه نیاورده ، آنگاه که هنوز پلیدی ها و زنگارها میهمان ناخواسته دل او نگشته و کشتزار دل او آماده پذیرش هر بذری است. از سوی دیگر والدین به عنوان مهمترین مربیان فرزندان خود نیزهمیشه فرصت و حوصله تربیت که امری ظریف و در عین حال پیچیده است . را ندارند زیرا آنگاه که بهار عمر والدین به روزهای آخررسید و ضعف و سستی بر آنان مستولی گشت و حافظه شان چونان جسمشان به ضعف و نقصان گرائید توان تربیت و راهنمایی مفید رانداشته واز ایفای نقش مربیگری برای فرزندان عاجز می گردند . علی (ع)مربی بزرگ بشریت در منشور تربیتی خود به امام حسن مجتبی (ع)در به این نکته مهم و ظریف توجه نموده و دیدگاه تربیتی گرانسنگی ارائه نموده است ; آن حضرت فرموده اند : «فرزنددلبندم ! چون دیدم سالیانی راپشت سر نهاده و به سستی درافتاده ام ، بدین وصیت برای تو مبادرت نموده ام و خصلتهایی رادرآن بر شمردم پیش از آنکه مرگ بشتابد و مرا دریابد و آنچه دراندیشه دارم به تو ناگفته ماند یا اندیشه ام همچون تنم نقصان بهم رساند یا پیش از نصیحت من پاره ای خواهشهای نفسانی بر توغالب گردد یا فریبندگیهای دنیا تو را بفریبد و همچون شتری گریزان و نافرمان باشی . و به درستی که دل جوان همچون زمین ناکشته است ، هرچه درآن افکنند ، بپذیرد . پس به ادب آموختنت پرداختم پیش از آنکه دلت سخت شود و خردت هوایی دیگر گیرد . . .» (11) و در قسمت دیگر آن ، می فرماید : «. . . چون به کارتو چونان پدری مهربان عنایت داشتم و بر ادب آموختنت همت گماشتم، چنان دیدم که این عنایت در عنفوان جوانی ات به کار رود و دربهار زندگانی که نیتی پاک داری و نفسی صاف و بی آلایش ...» (12)  ج) هدف نهایی از تربیت فرزند :  در نظام تربیتی اسلام بحث اهداف از کلیدی ترین مباحث بوده وجایگاه مهمی در آن دارد چرا که بدون داشتن هدف و تعیین آن ،امکان برنامه ریزی و نیز ارزیابی فعالیتهای تربیتی به آسانی ممکن نیست . در تربیت فرزندان آن هم در جامعه اسلامی ، داشتن هدفهای الهی بسی مهم و تعیین کننده است .  اکنون سوال این است که در نظام تربیتی اسلام هدف از تربیت چه باید باشد ؟ آیا هدف صرفا تولید نسل و افزودن بر اعضای جامعه است ؟ آیا هدف صرفا پرورش فرزند سالم است ؟ آیا هدف تربیت نیروی انسانی برای تداوم جامعه اسلامی و به انجام رسانیدن امورآن است ؟ و یا اینکه علاوه بر اینها ، اهداف مهمتر و مقدستری وجود دارد ؟ و بالاخره از دیدگاه بزرگ مربی اسلام ، علی (ع)هدف از داشتن فرزند و تربیت آن چیست ؟  بانگاهی به دیدگاهها و سیره تربیتی علی (ع) آشکار می شود که در نظام تربیت اسلامی هدف نهایی از تربیت ، رسیدن فرزند به مقام اطاعت وعبودیت الهی است ، هدف نهایی ، تربیت انسانی است که مطیع پروردگار و تسلیم درآستان او باشد . امیرمومنان علی (ع)درضمن حدیثی پیش از تولد فرزند ، هدف نهایی از تربیت را به طورغیر مستقیم بیان نموده و به راستی آن حضرت در سفره تربیتی خویش بدین هدف تحقق بخشیده و فرزندان خود را با توجه به آن ، تربیت نموده اند . مرحوم ابن شهرآشوب به سند خود از آن حضرت نقل می کندکه فرمود : «من از خداوند خویش طلب فرزندان زیبا چهره ونیکوقامت ننموده ام ، بلکه از پروردگارم خواسته ام تا فرزندانم مطیع او باشند و از او بترسند تا اینکه وقتی با این صفات به آنها نظر افکنم مایه چشم روشنی من باشند .» (13)  مبحث دوم : ابعاد تربیت از دیدگاه و سیره امام علی (ع) :  انسان موجودی است که از ابعاد گوناگون برخوردار است و به تبع آن تربیت نیز ابعادی دارد که خود به اقسامی تقسیم می گردد :تربیت اخلاقی ، تربیت دینی ، تربیت جسمانی ، تربیت اجتماعی و .  . . درسیره تربیتی نخستین امام شیعیان نیز این ابعاد و انواع تربیت مورد توجه واقع گردیده با بررسی کامل و مفصل هر یک ازاین ابعاد و انواع ، نیازمند ارایه یک مقاله مستقل وبلکه یک کتاب است ولی از آنجا که موضوع این مقاله ، عام بوده وامکان بررسی مفصل هرکدام دراین مقاله وجود ندارد ، به ناچار بصورت اشاره واگذرا بدان نظر می افکنیم .  الف : تربیت دینی :  مراد ما از تربیت دینی محدوده خاصی است ، هر چند تربیت دینی به یک معنا بسیار عام و گسترده است و شامل همه ابعاد وجودی انسان می گردد اما در اینجا ، مراد از تربیت دینی ، مقابل تربیت اخلاقی ، اجتماعی و سایر ابعاد است و عمدتا حوزه مربوط به عقایدو احکام عبادی از دین را شامل می گردد . تربیت دینی به این معنادر سیره تربیتی امام علی (ع) از اهمیت خاصی برخوردار است و درذیل به نمونه هایی از آن اشاره می کنیم :  1 - نماز :  یکی از بارزترین مصادیق تربیت دینی و بلکه مهمترین نمود آن در حوزه احکام و عبادات ، نماز است . نماز بزرگترین فریضه الهی وپیش درآمد قبولی سایر اعمال و عبادات است . علی (ع) در طول عمر با برکتشان زیباترین جلوه ها را در نماز به نمایش گذاشتند ،او در حالت جنگ و صلح ، بیماری و سلامت ، در خانه و مزرعه ،برمسند حکومت و خانه نشینی 25 ساله و در همه حالات و شرائط ،نماز مهمترین عمل او بود و فرزندان خود رابدان سفارش می نمود .  در وصیتی به امام حسن (ع) و تمامی خانواده و فرزندانش آنهارابه نماز سفارش کرده می فرماید : «از خدا بترسید ، از خدابترسید درباره نماز زیرا که نماز بهترین کارهاو ستون دین شماست » (14) او نه تنها خود و فرزندانش به نماز اهمیت می دادند که همه پیروان وشیعیان خود را به تعلیم نماز به فرزندان و سعی درتشویق آنان به مدوامت بر آن ، فرا خوانده اند . آن حضرت فرمود :«علموا صیسانکم الصلوه و خذوهم بها اذا بلغوا الحلم » «درکودکی به فرزندانتان نماز راتعلیم دهیدو هنگام بلوغ ، آنان رابه نماز وا دارید .» (15) فریضه نماز درتربیت دینی چنان مهم است که حتی در پیش از بلوغ ، تنبیه مختصر فرزند به خاطر ترک آن، روا دانسته شده است . علی (ع) خطاب به یکی از اصحاب فرمود: «کودکان اهل خانه ات را با زبان به نماز و طهارت تادیت نماو وقتی به سن ده سالگی رسیدند ، آنان را بر ترک آن ، تنبیه بدنی نما ولی از سه بار بیشتر تجاوز نکند .» (16) نکته قابل توجهی که در این دو حدیث وجود دارد ، توجه حضرت به مراحل تربیت و نیز روش آشنا نمودن فرزندان با نماز و اقامه آن است ،زیرا در مورد نماز بین دوره کودکی و بلوغ فرق گذاشته اند ، دردوره کودکی تاقبل از ده سالگی فقط سفارش به آموزش و تعلیم نمازنموده اند و تنها به اقدام زبانی و سفارش کلامی اکتفا نموده اند ،در این مرحله تاکید بر آمادگی و زمینه سازی برای اقامه نمازشده است . اما در سن ده سالگی هر چند هنوز به حد بلوغ نرسیده اما بعلت رشد مناسب کودک در این سن و تا حدودی رسیدن به سن تمییز و تشخیص ، تاکید عملی بر اقامه نماز است و آنگاه که به سن بلوغ رسیدند تاکید بر واداشتن آنها به نماز و ترک نکردن آن است .  2ک آموزش قرآن :  قرآن کتاب آسمانی و مهمترین منبع اسلامی است ، قرآن سرچشمه معارف الهی است و در تربیت دینی جایگاهی بس عظیم دارد . علی (ع) در نامه تربیتی خود به فرزندش امام حسن (ع) بعد از آنکه براهمیت تربیت و تسریع در آن تاکید می نمایند ، نخستین اقدام خود را تعلیم و آموزش قرآن و معارف و احکام حلال وحرام آن بیان می کند : «. . . وان ابتدئک بتعلیم کتاب الله و تاویله وشرایع الاسلام و احکامه و حلاله و حرامه لا اجاوز ذالک بک الی غیره . . .  » ، «نخست تو را کتاب خدا بیاموزم وتاویل آن رابه تو تعلیم دهم و شریعت اسلام و احکام آن را از حلال و حرام بر تو آشکارسازم و (درآغاز) به چیزی غیر از قرآن نپردازم .» (17) همچنین آن حضرت در توصیه به فرزندش محمدبن حنیفه ، فرمود : «. . . برتو باد به خواندن قرآن و عمل کردن به آنچه در آن است واینکه به مقررات و دستورات حلال و حرام آن و امر و نهی آن پایبند باشی . همچنین خواندن قرآن رادر شب و روز و هنگام تهجدبرخود لازم بدانی چرا که قرآن عهدنامه ای است از سوی خداوند تبارک و تعالی به خلق خود ، پس واجب است بر هر مسلمانی که در هر روزبه عهدنامه خود بنگرد ولو پنجاه آیه باشد .» (18)  3ک تعلیم دعا :  در تربیت دینی ، دعا و درخواست از خداوند جایگاه ویژه ای دارد. دعا ابزاری است که بنده را به خالق پیوند می دهد و از طریق آن، نیازهای فردی و درونی خویش را با خداوند قادر متعال در میان می گذارد و در پرتو آن به سکون و آرامش نایل می آید . علی (ع)در سیره تربیتی خویش به عنصر دعا اهمیت زیادی قائل شده اند . آن حضرت هم دعاهایی را به فرزندان خود تعلیم می دادند و هم آنان رابر مداومت بر آن توصیه می نمودند . امام حسین (ع) می فرماید :«پدرم مرا به خواندن دعای جوشن کبیر و حفظ و بزرگداشت آن توصیه نمودند و سفارش کردند که در هنگام وفاتشان آن را برکفنشان بنویسم و آن را به خانواده ام تعلیم دهم و آنان را برخواندن آن برانگیزانم .» (19)  هر چند در روایات برای دعا اوقات خاصی بیشتر مورد تاکیدقرار گرفته و برخی دعاهای خاص در اوقات خاص وارد شده ، اما علی(ع) در سیره تربیتی خود هر فرصت مناسب را مغتنم شمرده و به تعلیم دعا به فرزندانش پرداخته ، برای نمونه در هنگام غذاخوردن فرزندش امام مجتبی (ع) را به دعایی همیشگی سفارش نموده و در ضمن آن به نقش تغذیه و سلامتی جسمانی برای انجام عبادات ونیز وسیله بودن غذا برای توان عبادت بیشتر ، اشاره می نماید ;آن حضرت فرمود : «فرزندم ! هیچ لقمه سرد یا گرمی را مخور وهیچ شربت یا جرعه آبی را منوش الا اینکه قبل از خوردن و آشامیدن، این دعا را بخوانی «اللهم انی اسئلک فی اکلی و شربی السلامه من وعکه والقوه به علی طاعتک و ذکرک و شکرک فیما بقیته فی بدنی و ان تشجعنی بقوته علی عبادتک و ان تلهمنی حسن التحرز من معصیتک . .» (20) امام علی (ع) به دلیل اهمیت دعا و نقش آن در تربیت دینی ، نه تنها در طول زندگی خویش به فرزندان خودتعلیم دعا می نمودند بلکه در واپسین لحظات عمر خویش و در هنگام احتضار نیز از این امر غافل نبودند ، چنانکه در همان حالت حساس احتضار به فرزند خویش امام حسن(ع) دعایی راتعلیم نموده اند (21) .  4 - آشنایی با علوم اهلبیت (علیهم السلام)  آشنا نمودن فرزندان با علوم اهلبیت (علیهم السلام) و سخنان و عقاید مربوط به آنان ، از جمله عناصر مهم تربیت دینی درفرهنگ شیعی و علوی است . بر والدین ضروری است که ضمن آشنانمودن اجمالی آنان با مذاهب اسلامی عقاید حقه شیعه را به آنان تعلیم دهند و بذر محبت اهلبیت (علیهم السلام) را در دلهای آنان بیفشانند و آنان را با معارف غنی ، متقن و روشنگر اهلبیت(علیهم السلام) آشنا نمایند . تعلیم معارف و محاسن دانش ناب اهلبیت (علیهم السلام) به فرزندان آنها را در حریم امن عقیده قرار داده و از آثار شوم هجوم عقاید و اندیشه های ناپاک مصون می دارد . مرحوم صدوق با سند خود در حدیث چهارصدگانه از علی (ع) نقل کرده است که حضرت فرمود : «علموا صبیانکم من علمناماینفعهم الله به لاتغلب علیهم المرجئه براءیها» ، «به کودکان خود آن مقدار از دانش ما که به حال آنان مفید است ،تعلیم دهید تا اندیشه و نظر مرجئه (22) برآنان غالب نگردد .  » (23)  5ک رعایت آداب و سنن اسلامی در هنگام تولد فرزند :  در سیره تربیتی معصومین (علیهم السلام) از لحظه تولد نوزاد، فعالیتهای تربیتی آغاز می گردد و با اینکه نوزاد توان بالفعل درک اشیاء و اعمال را ندارد اما در عین حال انجام برخی آداب ومراسم برای تربیت صحیح او درآینده موثر است ، از این رو علی (ع) در ضمن حدیث چهارصدگانه خود به اصحابش ، آنان را به انجام این آداب در هنگام ولادت فرزندانشان توصیه نموده اند : «. . .در روز هفتم برای فرزندانتان عقیقه نمایید و به مقدار وزن موهای سر فرزندتان نقره صدقه دهید . رسول خدا (ص) نسبت به حسن و حسین و سایر فرزندانش اینچنین رفتار نمود .» (24) ودر قسمت دیگر حدیث می فرماید : «فرزندان خود را روز هفتم ختنه کنید و گرما و سرما شما را از این کار بازندارد که این باعث پاکیزگی بدن نوزاد است . . .» (25)  پی نوشت  1- نهج البلاغه، قصارالحکم، شماره 354 و عبدالمجید معادیخواه،فرهنگ آفتاب، ج 7،ص 3902.  2- خوانساری، محمد، شرح غررالحکم و دررالکلم آمدی، ج 6، ص 353.  3- همان، ج 3، ص 438. (خیر ما ورث الآباء الابناء الادب).  4- همان، ج 2، ص 141. (الانس فی ثلاثه، الزوجه الموافقه و الولد الصالح و الاخ الموافق).  5- همان، ص 23.  6- همان، ج 6، ص 222 (ولد السوء یهدم الشرف و یشین السلف).  7- همان، (ولد السوء یعر السلف و یفسد الخلف).  8- همان، ج 6، ص 224 (ولد عقوق محنه و شوم).  9- همان، ج 2، ص 392 (اشد المصائب سوء الخلف).  10- نهج البلاغه، قصار الحکم، شماره 453 (قال(ع):ما زال الزبیر رجلا منا اهل البیت حتی نشا ابنه المشووم عبد الله). این حدیث در برخی از نسخ موجود نهج البلاغه مثل شرح ابن ابی الحدید و شرح نهج البلاغه علامه خویی و ما آن را ازمعجم المفهرس نهج البلاغه اثر محمد دشتی، ص 124 نقل کرده ایم که تحت شماره 453 در قصار الحکم آمده است.  11- نهج البلاغه، نامه 31، با استفاده از ترجمه نهج البلاغه اثردکتر سید جعفر شهیدی، ص 297.  12- نهج البلاغه، همان با استفاده از ترجمه دکتر شهیدی، ص 298.  13- مجلسی،محمد باقر، بحار الانوار، ج 104، ص 98.  14- رسولی محلاتی، هاشم، وصایا الرسول و الائمه (علیهم السلام)با ترجمه فارسی ، ص 184.  15- خوانساری، محمد، شرح غرر الحکم و درر الکم، ج 4 ص 353.  16- محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج 1،ص 75 به نقل ازتنبیه الخواطر و نزهه الناظر، ص 390.  17- نهج البلاغه، نامه 31،با استفاده از ترجمه دکتر شهیدی،ص 298.  18- راجی قمی، محمد،پندهای پدران به فرزندان، ص 162 و 163.  19- مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج 91، ص 384 و مستدرک الوسائل، ج 2، ص 232.  20- طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، ص 74.  21- ر.ک: مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج 92 ص 179.  22- المرجئه فی مقابله الشیعه، من الارجاء بمعنی التاخیرلتاخیرهم علیا(ع) عن مرتبته و قد یطلق فی مقابله الوعیدیه(ر.ک: الکافی، ج 6، ص 47) و نیز ر.ک: طریحی، مجمع البحرین ج 1،ذیل ماده «رجاء».  23- حسر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج 15، ص 197 به نقل از خصال صدوق، ج 2، ص 157 و ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص 68.  24- صدوق، محمد بن علی بن الحسین، الخصال، ترجمه و تصحیح احمد فهری، ص 751.  25- همان، ص 776 و حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 15،ص 153. |